

وزیران آموزش و پرورش به روایت وزیری به بهانه معرفی و بررسی شکلی کتاب «از شازده تا حاجی» به قلم: سعید وزیری

● محمد دشتی (پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت)

اشاره

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حداقل هر چهار سال، انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار شده و هر دولتی تلاش کرده است، هیئت وزیران خود را معرفی کند. در این میان یکی از وزرایی که معمولاً موضوع‌هایی چالش برانگیز پیرامون او مطرح بوده، وزیر آموزش و پرورش است. وزارت آموزش و پرورش از چه سالی شکل گرفت؟ قبل از این عنوان، این وزارتخانه با چه نام‌هایی خوانده شده است؟ تا کنون چند وزیر سکان هدایت این وزارتخانه را بر عهده گرفته‌اند و مهم‌تر از همه این‌ها، اینکه وزیران آموزش و پرورش کشور طی بیش از یک و نیم قرن گذشته (۱۶۰ سال) چه کسانی بوده‌اند؟

پاسخ به این پرسش‌ها و برخی سؤالات دیگر را می‌توانید با مطالعه این مقاله که به بهانه بررسی کتاب «از شازده تا حاجی»، به قلم استاد سعید وزیری نوشته شده است، پیدا کنید.

از وزارت علوم تا وزارت تربیت

با شکل‌گیری نهادهای مدنی دولت و حکومت، ضرورت شکل‌گیری ساختارهایی مدون و قانونی که بتوانند مبنای عمل و توافق طرفینی مردم و حاکمان قرار گیرند، رخ نمود. با عنایت به اینکه پرداختن به فلسفه، زمان شکل‌گیری و دوران تطور و تحول این مفاهیم و بستر تاریخی آن‌ها در این نوشته کوتاه نمی‌گنجد و بنا به اولویت‌های در نظر گرفته شده، جایگاهی برای طرح آن قائل نیستیم، موضوع بحث خود را به سیر تطورات و تحولات مربوط به وزیران آموزش و پرورش که طی ۱۶۰ سال گذشته (دوره تاریخی مورد نظر این مقاله)،

به‌عنوان عالی‌ترین مقام در وزارت علوم، وزارت معارف (با شکل کامل آن: معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه)، وزارت فرهنگ، و وزارت آموزش و پرورش خدمت کرده‌اند، اختصاص داده‌ایم. این بحث را با نگاه تاریخی به جایگاه سازمانی وزیر در این دوره تاریخی آغاز می‌کنیم.

گفتنی است که با وجود نام‌های گوناگون وزارتخانه مورد بحث، چون اکنون نام رسمی آن «وزارت آموزش و پرورش» است، در متن این نوشته از عنوان وزیر آموزش و پرورش استفاده خواهیم کرد. شاید خالی از لطف نباشد که یادآوری کنیم، طی چند سال گذشته، یکی دو باری زمزمه‌هایی در خصوص تغییر عنوان این وزارتخانه به «وزارت تربیت رسمی و عمومی» و «وزارت تربیت»، از سوی سرپرست وقت آموزش و پرورش و برخی معاونان این وزارتخانه مطرح شد که البته در عمل به جایی نرسید.

«وضع قوانین و مقررات به منظور تأمین هدف و آغاز دخالت دولت در گردش امر تعلیم و تربیت را به‌طور دقیق و منظم، باید پس از پذیرش حکومت مشروطه و تدوین قوانین تشکیلاتی فرهنگ، مصوب ۲۸ شعبان ۱۳۲۸، برابر سنبله ۱۲۸۹، قانون اساسی معارف، مصوب ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۹، برابر با ۹ آبان ۱۲۹۰، و قانون شورای عالی معارف، مصوب ۲۰ اسفندماه ۱۳۰۰، برابر با رجب ۱۳۴۰ دانست» [همان، ۱۳۷۲].

بنابراین، تفکر اداره هم‌هنگ امور آموزش کشور، در سال ۱۳۲۸ق، در قالب تصویب قانون مربوط به تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه متجلی شد. در سال ۱۳۰۰ش، قانون شورای عالی معارف به تصویب رسید که این قانون نقطه عطفی در تاریخ تشکیلات وزارت معارف به شمار می‌رفت. براساس این قانون، شورا با هدف توسعه دوایر علوم، اشاعه معارف و فنون، و رفع نقص‌های تحصیلات علمی و فنی دایر شد. به تدریج مدارس عالی متفاوتی از دستگاه‌های اجرایی مربوط منتزع شدند و زیر نظارت وزارت معارف قرار گرفتند. با تصویب قانون اجازه تأسیس دانشگاه در تهران (۱۳۱۳)، دانشگاه به‌عنوان مرکز ثقل آموزش عالی ایران شناخته شد.

در سال ۱۳۱۷، وزارت معارف به علت سنگینی وظایف به دو وزارتخانه جدید با نام‌های جدید تقسیم شد: وزارت «پیشه و هنر» و وزارت «فرهنگ». تمامی وظایف مربوط به آموزش و حتی آموزش عالی به عهده وزارتخانه جدید به نام فرهنگ گذاشته شد که در نهایت در آبان ماه ۱۳۴۳، وزارت آموزش و پرورش مستقیماً مسئولیت این حوزه را بر عهده گرفت.

در این بخش، با استفاده از مطالب کتاب «نخبگان سیاسی ایران، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی»، به سرفصل‌هایی مانند: تحصیلات عمومی و فنی وزرای آموزش و پرورش، شامل نوع تحصیلات، درجه تحصیلات، رشته یا رشته‌های تحصیلی، محل تحصیل، رشته مطالعات، نوع تخصص حرفه‌ای، تجربه و سوابق کارمندی وزیران و سازمان‌هایی که آن‌ها قبل از تصدی وزارت در آن‌ها شاغل بودند نیز پرداخته شده است.

نتایج این بررسی‌ها در نوع خود جالب و آموزنده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به این

موضوع اشاره کرد که در عصر مشروطیت (۱۳۵۷-۱۲۸۵ش)، ۴۶/۶ درصد وزیران آموزش و پرورش دوره مشروطیت، تحصیل کرده فرانسه، ۷ درصد تحصیل کرده آمریکا، و ۴/۷ درصد تحصیل کرده ترکیه بودند و در کنار تحصیل کردگانی در کشورهای انگلستان، آلمان، بیروت و سوئیس، سهم تحصیل کردگان در ایران ۲۵/۶ درصد از کل بود. یا در حالی که رشته تحصیلی ۲۳/۲ درصد وزیران آموزش و پرورش رشته پزشکی بود، تنها ۲/۳ درصد آنان در رشته‌های علوم و تعلیم و تربیت تحصیل کرده بودند.

جالب است که در همین زمینه، بعد از تحصیل کردگان رشته‌های پزشکی، افرادی که در رشته ادبیات درس خوانده بودند، با ۱۱/۶ درصد در رتبه بعدی قرار داشتند و تحصیل کردگان در رشته نظام با ۴/۷ درصد بالاتر از فارغ التحصیلان در رشته‌های مرتبط با علوم و تعلیم و تربیت بودند. یا در مورد رشته مطالعات وزیران آموزش و پرورش، رتبه اول با ۲۱/۴ درصد به علاقه‌مندان به مطالعات در حوزه ادبیات تعلق داشت و رتبه دوم با ۱۷/۸ درصد، متعلق به حوزه حقوق قضایی و اسلامی بود. علاقه به مطالعه در خصوص روان‌شناسی و تعلیم و تربیت نیز، تنها ۵/۳ درصد را به خود اختصاص داده بود.

براساس همین اطلاعات، تخصص در رشته‌های پزشکی، با ۱۴/۳ درصد رتبه اول حوزه تخصصی وزیران آموزش و پرورش را تشکیل می‌داد و پس از آن، حوزه ادبیات با ۱۰/۷ درصد در رتبه دوم، و حوزه تخصصی سیاست و امور سیاسی با ۸/۹ درصد در رتبه سوم قرار داشت. متخصصان در رشته‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت به‌طور مشترک با متخصصان علوم اقتصادی با ۷/۱ درصد در رتبه‌های بعدی بودند.

از شازده تا حاجی، نگاهی نو به وزیران آموزش و پرورش در ۱۶۰ سال گذشته

کتاب «از شازده تا حاجی: وزیران علوم، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش» توسط آقای سعید وزیری، کارشناس فلسفه و پژوهشگر تاریخ آموزش و پرورش تدوین و در سال ۱۳۹۳ توسط «مؤسسه انتشاراتی کوشش پاینده»، در ۵۶۴ صفحه تألیف شده است. طراحی جلد این کتاب توسط علی اسکندری انجام و در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه روانه بازار شده است.

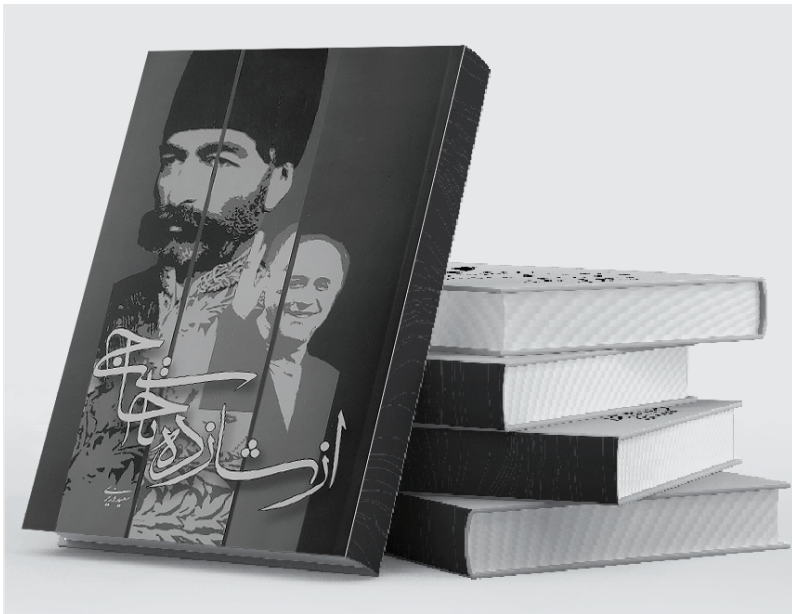
تاکنون سه جلد کتاب در خصوص وزیران آموزش و پرورش که طی ۱۶۰ سال گذشته تصدی این وزارتخانه را بر عهده داشته‌اند، به شرح زیر منتشر شده است:

- «وزیران آموزش و پرورش»، احمد عبدالله پور، ۱۳۷۳؛
- «وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران»، اقبال یغمایی، ۱۳۷۵؛
- «تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا سال ۱۳۸۰ش، همراه با معرفی کلیه وزرای علوم، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش»، دکتر امان‌الله صفوی، ۱۳۸۰.

البته جدا از این سه منبع اصلی، کتاب‌های دیگری نیز مانند: «پیشکشوتان فرهنگی ایران: پس از اسلام»، اثر **مهدی صفی‌نژاد** (با همکاری بهمن صفی‌نژاد)، منتشر شده در سال ۱۳۹۰، و کتاب ارزشمند «نخست وزیران ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵ق): از مشیرالدوله ... تا بختیار»، تألیف: دکتر باقر عاقلی که چاپ چهارم آن در سال ۱۳۹۷ روانه بازار شده است، بخش‌هایی از مطالب خود را به وزیران آموزش و پرورش اختصاص داده‌اند.

اما آقای سعید وزیری، در سال ۱۳۹۳ نسخه‌ای تازه از کتابی در مورد وزیران آموزش و پرورش را تقدیم علاقه‌مندان و دوست‌داران حوزه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش کرده‌اند که در نوع خود برای پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه قابل استفاده و مفید است. نگارنده کتاب از شازده تا حاجی، در صفحه‌های آغازین کتاب و زیرعنوان «سخنی با خواننده»، در خصوص دلایل و شرایطی که به گردآوری و تدوین این کتاب منجر شد، این‌گونه می‌گوید: «... سال ۱۳۸۲ خورشیدی بود که دوست و همکار ارجمندی (آقای دکتر تاجیک اسماعیلی) از من خواست تا در مرکز اسناد و گنجینه دارالفنون، هفته‌ای یکی دو روز با پژوهشگاه وزارت آموزش و پرورش همکاری داشته باشم. از آنجا که دوست نداشتم زمان بی‌کاری‌ام (بازنشستگی) به بی‌عاری بگذرد، پذیرفتم.

پس از مدتی به فکر افتادم در باره دارالفنون کتابی بنویسم. این کار که به پایان رسید، اندیشیدم که پژوهشی درباره مشاهیر دارالفنون داشته باشم که این کار هم در سال ۱۳۸۴ به پایان رسید. آن‌گاه بر آن شدم که درباره تاریخ آموزش و پرورش، از زمان وزارت شاهزاده اعتضاد السلطنه تا وزارت مرتضی حاجی که در آن زمان وزیر بودند، پژوهشی بشود. اما



همین که خواستم کارم را شروع کنم، حافظ در گوشم گفت: که عشق آسان نمود اول/ ولی افتاد مشکل‌ها.

به هر حال مشغول کار شدم و از اولین وزیر به نام اعتضادالسلطنه تا آخرین وزیر را شناسایی کردم. در این ۱۴۵ سال (۱۲۳۷ تا ۱۳۸۲) که باید آن را از شازده تا حاجی نام گذاری کرد، ۷۳ وزیر آمده‌اند و رفته‌اند. بسیاری از آنان عمر وزارتشان ۴۰ تا ۵۰ روز بوده است. بعضی‌ها نیز چندین بار وزیر شده‌اند. ناگفته نماند که من اولین کسی نیستم که دست به این کار زده‌ام، بدون تردید آخرین نفر هم نخواهم بود ... [اوزیری، ۱۳۹۳].

وی همچنین در مقدمه این کتاب درخصوص تشکیل وزارتخانه‌ای با عنوان علوم و بعدها، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش، و انتخاب اولین وزیر برای این وزارتخانه، چنین می‌نویسد: «... روز دهم دی ماه ۱۲۳۰، برابر با پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸، مدرسه دارالفنون با شرکت ۱۰۰ تن از فرزندان اعیان، اشراف و شاهزادگان کار خود را آغاز کرد. چون در آن زمان وزارتخانه‌ای به نام علوم یا معارف یا فرهنگ یا آموزش و پرورش وجود نداشت که عهده‌دار برنامه‌ریزی مدرسه دارالفنون شود، ناگزیر میرزا علی‌خان شیرازی که وزیر امور خارجه بود، سرپرست دارالفنون هم شد.

اما ریاست وزیر امور خارجه بر مدرسه دارالفنون از ۴۳ روز تجاوز نکرد که مرگ در خانه‌اش را کوفت. پس از وی، عزیزخان مگری سردار کل، به جای وی رئیس دارالفنون شد. او نیز چندی بعد درگذشت و رضاقلی‌خان هدایت که یکی از ادیبان و زبان‌شناس‌های ایرانی بود، از سال ۱۲۳۱ تا ۱۲۷۶ ش رئیس دارالفنون شد. به استناد دست‌نوشته‌های شازده اعتضادالسلطنه (در سال ۱۲۷۳ق)، در زمان وزارت کوتاه‌مدت میرزا علی‌خان شیرازی و عزیزخان مگری، و ریاست ۱۴ ساله رضاقلی خان، مدرسه دارالفنون تابع هیچ وزارتخانه‌ای نبود و انتصاب مدیران آن نیز به وسیله شاه انجام می‌گرفت. اما در سال ۱۲۳۷ خورشیدی برابر با ۱۲۷۵ق، ناصرالدین‌شاه/اعتضادالسلطنه را به سمت وزیر علوم منصوب کرد» [پیشین].

نگارنده کتاب «از شازده تا حاجی» در ادامه فهرست نام وزیران علوم، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش را از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۹۰ ش بدین شرح آورده است:
(ضمناً وزیران از سال ۱۳۹۰ تا کنون توسط نگارنده مقاله در ذیل این اسامی اضافه شده است.)

الف وزیران علوم دوره استبداد:

۱. علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه - ۱۲۷۴ق (۱۲۳۹ش).
۲. علی‌قلی خان هدایت (مخبرالدوله) - ۱۲۹۴ق (۱۲۵۵ش).
۳. جعفرقلی خان هدایت (نیرالملک) - ۱۳۱۴ق (۱۲۷۵ش).
۴. میرزا محمودخان علاءالملک - ۱۳۲۳ق (۱۲۸۴ش).

ب وزیران علوم دوره مشروطه (زمان قاجاریه):

۱. مهدی قلی خان هدایت (مخبر السلطنه) - ۱۳۲۵ ق (۱۲۸۴ ش).
۲. مرتضی قلی خان هدایت (صنیع الدوله) - ۱۳۲۷ ق (۱۲۸۶ ش).
۳. میرزا احسن خان پیرنیا (مشیر الدوله) - ۱۳۲۸ ق (۱۲۸۸ ش).
۴. نظام الدین خان مهندس الممالک - ۱۳۲۸ ق (۱۲۸۸ ش).
۵. میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه - ۱۳۲۹ ق (۱۲۸۹ ش).

ج وزیران علوم دوره مشروطه (زمان قاجاریه - سال شمسی):

۱. میرزا ابراهیم خان حکیم الملک - ۱۲۹۰.
۲. اسدالله میرزا شهاب الدوله - ۱۲۹۴.
۳. میرزا احسن خان وثوق الدوله - ۱۲۹۷.
۴. مرتضی خان ممتاز الممالک - ۱۲۹۷.
۵. میرزا احمد خان نصیر الدوله (بدر) - ۱۲۹۷. عبدالحسین خان شیبانی وحید الملک - ۱۲۹۹.
۶. دکتر اسماعیل خان مرزبان (امین الملک) - ۱۲۹۹.
۷. رضا قلی خان هدایت (نیر الملک) - ۱۲۹۹.
۸. میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوله - ۱۳۰۰.
۹. دکتر امیر اعلم - ۱۳۰۰.
۱۰. میرزا حسن خان اسفندیاری (محتشم الدوله) - ۱۳۰۱.
۱۱. دکتر حسن لقمان ادهم (حکیم الدوله) - ۱۳۰۲.
۱۲. سلیمان میرزا (محسن) - ۱۳۰۲.
۱۳. میرزا صادق خان (مستشار الدوله) - ۱۳۰۳.
۱۴. میرزا نظام الدین خان حکمت مشاء الدوله (کفیل وزارتخانه) - ۱۳۰۳.
۱۵. سید مهدی خان فاطمی عماد السلطنه - ۱۳۰۳.
۱۶. میرزا یوسف خان مشار (کفیل) - ۱۳۰۴.

د وزیران فرهنگ (دوره پهلوی) اول و دوم:

۱. سید محمد تدین - ۱۳۰۵.
۲. میرزا یحیی خان قراقرلو (اعتماد الدوله) - ۱۳۰۶.
۳. دکتر احمد محسنی عماد الملک (کفیل) - ۱۳۱۲.
۴. میرزا علی اصغر خان حکمت - ۱۳۱۲.
۵. اسماعیل مرآت - ۱۳۱۷.
۶. دکتر عیسی صدیق - ۱۳۲۰.
۷. مصطفی عدل (منصور السلطنه) - ۱۳۲۰.



۸. دکتر علی اکبر سیاسی - ۱۳۲۱.
۹. سرلشکر علی ریاضی - ۱۳۲۳.
۱۰. دکتر قاسم غنی - ۱۳۲۳.
۱۱. باقر کاظمی - ۱۳۲۳.
۱۲. غلامحسین رهنما - ۱۳۲۴.
۱۳. محمدتقی ملک الشعراى بهار - ۱۳۲۴.
۱۴. دکتر فریدون کشاورز - ۱۳۲۵.
۱۵. دکتر سیدعلی شایگان - ۱۳۲۵.
۱۶. دکتر منوچهر اقبال - ۱۳۲۷.
۱۷. دکتر محمد سجادی - ۱۳۲۷.
۱۸. دکتر عبدالمجید زنگنه - ۱۳۲۷.
۱۹. مسعود کیهان - ۱۳۲۷.
۲۰. دکتر شمس‌الدین جزایری - ۱۳۲۹.
۲۱. حبیب‌الله آموزگار - ۱۳۲۹.
۲۲. دکتر کریم سنجایی - ۱۳۳۰.
۲۳. دکتر محمود حسابی - ۱۳۳۰.
۲۴. دکتر مهدی آذر - ۱۳۳۱.
۲۵. رضا جعفری - ۱۳۳۲.
۲۶. دکتر محمود مهران - ۱۳۳۲.
۲۷. دکتر جهانشاه صالح - ۱۳۳۴.
۲۸. محمد درخشش - ۱۳۴۰.
۲۹. دکتر پرویز ناتل خانلری - ۱۳۴۱.
۳۰. دکتر عبدالعلی جهانشاهی - ۱۳۴۲.

وزیران آموزش و پرورش از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷:

۱. دکتر هادی هدایتی - ۱۳۴۳.
۲. دکتر اسفند فرخ‌رو پارسای - ۱۳۴۷.
۳. دکتر امیر هوشنگ شریفی - ۱۳۵۳.
۴. دکتر منوچهر گنجی - ۱۳۵۶.
۵. دریاسالار کمال حبیب‌اللهی - ۱۳۵۷.
۶. دکتر محمدرضا عاملی تهرانی - ۱۳۵۷.
۷. دکتر محمد امین ریاحی - ۱۳۵۷.

ز وزیران آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸:

۱. دکتر غلامحسین شکوهی - ۱۳۵۷.
۲. محمدعلی رجایی - ۱۳۵۸.
۳. دکتر محمدجواد باهنر - ۱۳۵۹.
۴. علی اکبر پرورش - ۱۳۶۰.
۵. سید کاظم اکرمی - ۱۳۶۳.
۶. دکتر محمدعلی نجفی - ۱۳۶۷.
۷. دکتر حسین مظفر - ۱۳۷۶.
۸. مرتضی حاجی - ۱۳۸۰.
۹. دکتر علی اصغر فانی (سرپرست) - ۱۳۸۴.
۱۰. مهندس محمود فرشیدی - ۱۳۸۴.
۱۱. دکتر علیرضا علی احمدی - ۱۳۸۶.
۱۲. دکتر سید رمضان محسن پور (سرپرست) - ۱۳۸۸.
۱۳. دکتر حمیدرضا حاجی بابایی - ۱۳۸۸.
۱۴. دکتر علی اصغر فانی - ۱۳۹۲.
۱۵. دکتر فخرالدین دانش آشتیانی - ۱۳۹۵.
۱۶. سید محمد بطحایی - ۱۳۹۶.
۱۷. دکتر سیدجواد حسینی (سرپرست) - ۱۳۹۸.
۱۸. دکتر محسن حاج میرزایی - ۱۳۹۸.

بررسی اجمالی کتاب از شازده تا حاجی

آقای سعید وزیری با سابقه‌ای در خور در وزارت آموزش و پرورش، معلمی در مدارس کشور، تألیف تعداد قابل توجهی کتاب (بیش از ۴۰ عنوان کتاب) و تهیه گزارش‌ها و مقالات مرتبط با تعلیم و تربیت، مشاهیر ایران چون *فردوسی* بزرگ، و سپری کردن دوران پس از باننشستگی خود در همین زمینه، با تجارب زیسته قابل توجهی به سراغ تألیف کتاب از شازده تا حاجی رفته است.

او با بهره‌گیری از سواد و اطلاعات فراوان خود و همچنین بهره‌گیری از تجارب و کتاب‌های منتشر شده دربارهٔ وزیران آموزش و پرورش، تلاش کرده است نسخه‌ای جدیدتر و کامل‌تر را در خصوص وزیران آموزش و پرورش در ۱۶۰ سال گذشته ارائه کند و در ضمن به معرفی وزیران آموزش و پرورش در دوران پس از انقلاب اسلامی بپردازد که در نوع خود ارزشمند و برای پژوهشگران، اندیشمندان و دست‌اندرکاران حوزه‌های تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش سودمند و قابل استفاده است. به همین دلیل و به سبب اینکه نکات مثبت کتاب در قامت یک بررسی چند جانبه، به تولید طیف گسترده‌ای از اطلاعات در مورد تاریخ و سابقهٔ وزیران آموزش و پرورش منجر شده است.

مخلص کلام اینکه در صلاحیت و تلاش نگارنده برای ارائه اثری مفید و ارزشمند به مخاطبان و اهمیت اطلاعات و مستندات کتاب، هیچ شکی نیست، اما باید توجه کرد تنها گردآوردن، تولید و ارائه منابع و اسناد تاریخی درخصوص یک موضوع، برای انجام کاری فاخر و تأثیرگذار کفایت نمی‌کند و در کنار آن نحوه ارائه این مستندات و اطلاعات، توجه به وجوه مختلف تدوین و تألیف کتاب، تلاش در ارائه اثری منطبق بر اصول نوشتاری استاندارد و صحیح، و به اصطلاح فرآوری فنی و هنری کتاب، از اصول بسیار مهمی است که باید مورد توجه و ملاک عمل نویسنده و همکاران او (ویراستاران کتاب، ناظران محتوایی و ...) قرار گیرد. زیرا تنها در چنین حالتی است که محصول نهایی می‌تواند به اثری خواندنی و لذت‌بخش برای مخاطبان و خوانندگان تبدیل شود.

نکته بعدی این است که نگارنده مقاله حاضر قصدی برای نقد محتوایی و فنی کتاب نداشته است و با عنایت به اشکالات متعدد شکلی آن که بیشتر ناظر بر همان عدم فرآوری فنی و هنری کتاب است، توجه به اصلاح در این زمینه را مقدم بر نقد محتوایی دانسته است و این کار با اهمیت و فنی را به افراد صاحب صلاحیتی که در این زمینه متخصص و صاحب‌نظر هستند، واگذار می‌کند.

لذا با توضیح این دو نکته (ضرورت و اهمیت فرآوری فنی و هنری کتاب و پرهیز از نقد محتوایی و فنی) نکاتی را درخصوص برخی اشکالات کتاب که می‌تواند این اثر را به کاری متوسط و یا حتی ضعیف تقلیل دهد، به صورت فهرستوار بیان می‌دارد. گفتنی است که به دلیل اشتراک در ماهیت اشکالات کتاب و به منظور پرهیز از طولانی شدن مطلب، تنها ۵۰ صفحه اول کتاب مورد بررسی و نقد شکلی قرار گرفته است:

- در صفحه عنوان کتاب، از ناظر «علمی و ویراستار» کتاب یاد شده است که به نظر می‌رسد، عنوان «ناظر محتوایی و ویراستار» برای چنین اثری که خیلی جنبه علمی ندارد، مناسب‌تر است. در ضمن، این کتاب با داشتن «ناظر علمی و ویراستار» نباید این همه اشکالات ویراستاری و فنی (که در ادامه بدان اشاره خواهد شد) داشته باشد.
- در صفحه فهرست مطالب، تناسب فونت استفاده شده برای عنوان اصلی (فهرست مطالب) رعایت نشده و بزرگ‌تر از حد استاندارد است.
- در صفحه شش، نام میرزااحمدخان نصیرالدوله (بدر) به اشتباه میرزااحمدخان سفیرالدوله (بدر) درج شده است. در همان صفحه، نام سیدمحمد تدین بدون علامت تشدید روی حرف د درج شده، در حالی که در صفحات داخلی تدین با علامت تشدید نوشته شده است.
- در صفحه هفت، نام غلامحسین رهنما به صورت جدا از هم و به شکل «غلامحسین» درج شده است، در صورتی که در صفحه‌های داخلی کتاب به صورت وصل (غلامحسین) نوشته شده و در موارد دیگری نیز این اتفاق تکرار شده است.
- در صفحه هشت، نام دریاسالار حبیب‌الهی (کمال‌الدین) درج شده، در حالی که در

صفحه‌های داخلی نام وی کمال نوشته شده است.

- در همان صفحه و صفحه بعد، برای وزیرانی که دارای مدرک دکترا بوده‌اند، قید دکترا قبل از نام ایشان درج شده، اما این قاعده در مورد افرادی مانند: دکتر سیدکاظم اکرمی، دکتر حسین مظفر، دکتر علی‌رضا علی احمدی، دکتر حمیدرضا حاجی بابایی و دکتر علی‌اصغر فانی رعایت نشده است. ضمن اینکه در این فهرست، اسامی آقایان محمدعلی رجایی و محمد جواد باهنر که در صفحه‌های داخلی با قید «شهید» ذکر شده، این قاعده رعایت نشده است.
- در صفحه ده و در پیش‌گفتاری که توسط آقای مرتضی احمدی نگاشته شده، جمله ابتدایی به شکل جمله‌ای طولانی در چهار خط بیان شده است و در پایان جمله نیز علامت «نقطه» قرار ندارد. ضمن اینکه سطر ابتدایی مطلب باید با یک تورفتگی استاندارد شروع شود که البته این قاعده در اکثر صفحه‌های رعایت نشده است. از آنجا که کار ویراستار روانی و خوانایی نوشتار است، توجه به این نکات به ظاهر ریز خیلی مهم و بااهمیت است.
- در صفحه یازده و بخش سخنی با خواننده، در پایان جمله سوم واژه بیعاری (که احتمالاً منظور بیعاری) بوده، بیان شده است که علاوه بر غلط بودن کلمه، ترکیب (بیعاری) ترکیب درستی نیست و باید به جای آن از واژه (بیعاری) استفاده شود. ضمن اینکه در همان پاراگراف اول استفاده از جمله‌های طولانی بدون استفاده از علائم نوشتاری (نقطه و ویرگول)، خواندن جمله‌ها را سخت کرده و به روایی و خوانایی نوشتار آسیب زده است. متأسفانه این اشکال به صورت آسبیبی مزمین و تکراری در سراسر صفحه‌های کتاب به چشم می‌خورد.
- در بخش الف و ابتدای پاراگراف سوم مطلب صفحه یازده از کتاب آقای اقبال یغمایی، با عنوان «کتاب وزیران علوم، معارف، فرهنگ» یاد شده است. در صورتی که عنوان صحیح و کامل این کتاب، «کتاب وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران» است.
- در صفحه چهارده کتاب و در بخش مقدمه، همچنان قاعده الزام تورفتگی سطر اول رعایت نشده است. به‌عنوان نمونه، یک جمله طولانی در پنج خط (بدون استفاده از علائم نوشتاری) آورده شده که خواندن آن سخت و درک آن برای خواننده دشوار است. ضمن اینکه در کل صفحه‌های کتاب به قواعدی مانند: نزدیک کردن کلمات با نیم فاصله، جداکردن با نیم فاصله، حذف فاصله‌های اضافی بین کلمه‌ها، قاعده تورفتگی سرسطر، حذف فاصله‌های اضافی بین دو سطر، و استفاده درست و بجا از علائمی مانند: ()، « »، و ... و دیگر علائم توجه نشده و همین امر از زیبایی و جذابیت بصری متن کاسته و ضمناً خواندن روان و دلپذیر متن را با مشکل جدی روبه‌رو کرده است.
- در صفحه شانزده کتاب و در ردیف ۹، ضمن اینکه عنوان دکتر اسماعیل مرزبان به‌صورت ناقص «مرزبان» نوشته شده، واژه امین‌الملک به غلط «امی‌الملک» درج شده

است. همچنین در پاراگراف بعد از ردیف ۲۰، عنوان وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به صورت ناقص، «وزارت معارف و صنایع مستظرفه» درج شده است. ● در صفحه بیست و در ردیف ۱۲، نام دکتر جهانشاه صالح به اشتباه «دکتر جهانشاهی» درج شده است. ضمناً در ردیف‌های بعدی نام برخی وزیران به صورت کامل (مانند: دکتر محمدمین ریاحی) و برخی دیگر به صورت ناقص (مانند: آموزگار) نوشته شده است.

● در صفحه بیست و سه، نام میرزا احمدخان نصیرالدوله (بدر) که یک بار دیگر هم در صفحه شش کتاب به صورت ناقص میرزا احمدخان سفیرالدوله (بدر) آمده بود، به صورت مجعول «احمدبدر (نصرالدوله)» نوشته شده است که واقعاً جای تأمل دارد. ● در صفحه بیست و پنج کتاب، نگارنده صحبت پایانی خود را در یک جمله طولانی ۹ خطی و بدون استفاده از علائم نگارشی (نقطه و ویرگول) بیان کرده است که واقعاً خواندن آن نفس فرد را بند می‌آورد و متأسفانه از چنین جملات بلندبالا و طولانی فراوان در کتاب استفاده شده است. نمونه دیگر آن را که یک جمله طولانی در ۱۰ خط است، می‌توان در صفحه ۲۹ و در بخش یادآوری ملاحظه کرد. شیوه غیرحرفه‌ای مزبور، چنین کار ارزشمندی را به کاری متوسط و سخت‌خوان تبدیل کرده است.

از آنجا که مقصود از برشمردن این اشکالات، جلب توجه نگارنده و همه نویسندگان به رعایت اصولی است که باید در نگارش کتاب رعایت شود تا آن را به اثری روان، منسجم، هدفمند، دلپذیر و خوانا تبدیل کند، در ادامه تنها چند اشکال از این اشکالات را شرح می‌دهیم و امیدواریم تأمل در نکاتی که از باب بهتر شدن کار بیان شده‌اند، در تألیف و تدوین آثار بعدی و یا اصلاح این کتاب در چاپ‌های بعدی، مؤثر و مفید واقع شود:

۱. معمولاً در کتاب‌هایی که اشخاصی با صفات مشترک (مانند وزیربودن در این کتاب) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند، قاعده معینی برای درج نام افراد رعایت می‌شود. ممکن است مطالب کتاب براساس نام افراد و سپس نام خانوادگی آنان تنظیم شود، یا اینکه ابتدا نام خانوادگی و سپس نام افراد ملاک چینش مطالب قرار گیرد. و یا احیاناً براساس ترتیبی تاریخی و براساس زمان وزارت افراد، صفحه‌های کتاب پشت سر هم قرار گیرند. قاعده‌ای که متأسفانه در این کتاب رعایت نشده و چینش مطالب از تنوعی ناهمگون پیروی کرده است. برخی از نمونه‌های آن بدین شرح است: اعتضادالسلطنه نخستین وزیر علوم؛ خاندان هدایت، رضاقلی خان لله‌باشی؛ نیرالملک، جعفرقلی خان؛ هدایت-مخبرالسلطنه؛ میرزااحسن خان مشیرالدوله (پیرنیا)؛ علاالسلطنه، سیاستمداری که ۵ بار وزیر شد؛ شهاب‌الدوله (اسدالله میرزا)؛ میرزااحمدخان نصیرالدوله بدر؛ وحیدالملک شیبانی، وزیر معارف و استاد فارسی در دانشگاه کمبریج؛ وزارت ۵ روزه مرزبان، دکتر

اسماعیل خان؛ رضاقلی خان نیرالملک وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه؛ امیر علم - وزیر معارف؛ دکتر محسنی (عمادالملک)؛ و ...

۲. به نظر می‌رسد در کتابی که با محوریت وزیران آموزش و پرورش نگاشته شده است، باید نقطه اصلی و محوری محتوای کتاب، زندگی‌نامه، اقدامات مؤثر آنان، ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان، و نهایتاً تأثیراتی باشد که آنان در دوره وزارت خود به یادگار گذاشته‌اند. ضمناً تعداد صفحه‌های اختصاص یافته به افراد از یک معدل یکسان و نزدیک به یکدیگر پیروی کند. در صورتی که چنین نیست. برای مثال، در حالی که کمتر از یک صفحه از مطالب کتاب - در صفحه ۱۷۰ - به احوالات مستشارالدوله (میرزصادق خان) اختصاص یافته است، ۷۵ صفحه از کتاب، از صفحه ۲۶۲ تا ۳۳۷، به اسماعیل مرآت تعلق دارد. البته از این ۷۵ صفحه نیز تنها ۲ صفحه به معرفی و فعالیت‌های مرآت در زمان تصدی وزارت معارف مربوط می‌شود و از ۷۳ صفحه بعدی، حدود ۶۰ صفحه آن مربوط به فهرست واژه‌های تصویب شده فرهنگستان تا آخر سال ۱۳۱۷ است.

۳. در مورد ارجاعات و پانویس‌ها و همچنین بیان منابع و مآخذ استفاده شده در متن کتاب و فصل پایانی آن، از روش‌های مرسوم و استاندارد منبع‌نویسی استفاده نشده است. چنین اشکالی در مورد این کتاب که به‌عنوان اثری تحقیقی و مستند از آن یاد می‌کنند، آسیبی بزرگ تلقی می‌شود و باید بدان توجه شود. ضمناً در بخش مربوط به عکس‌های وزیران که از صفحه ۵۳۲ تا پایان کتاب را در ۱۷ صفحه در برمی‌گیرد، به اصول زیبایی‌شناسی و صفحه‌آرایی توجه نشده و عکس‌ها در قطع‌های مختلف، کیفیت‌های متفاوت و گاه بدون زیرنویس، نوعی آشفتگی و بی‌نظمی را به نمایش گذاشته‌اند که شایسته چنین اثری نیست.

در مجموع می‌توان گفت: کتاب «از شازده تا حاجی» که حاصل مطالعات، تجارب زیسته، تحقیق و بررسی اسناد و مدارک تاریخی و آموزشی، و تلاش و زحمت بی‌دریغ آقای سعید وزیری است، به‌عنوان اثری منحصربه‌فرد و ارزشمند باید قدر دانسته شود. اما با توجه به برخی اشکالات اساسی که بدان‌ها اشاره شد و عمده آن‌ها مربوط به موضوع فرآوری فنی و هنری کتاب است، این کتاب به بازنگری اساسی و حتی دوباره‌نگاری نیاز دارد. ویراستار و گرافیک‌ساز خبره و مسلط به امور ویرایش و صفحه‌آرایی می‌توانند ضمن رهایی کتاب از آشفتگی و وضعیت کشکول ماندش، آن را به اثری استاندارد، روان و دلپذیر برای مخاطبان و علاقه‌مندان تبدیل کنند. ان‌شاءالله.

منابع

۱. شجیعی؛ زهرا (۱۳۷۲). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی: مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی. انتشارات سخن. تهران.
۲. وزیری، سعید (۱۳۹۳). از شازده تا حاجی: وزیران علوم، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش. مؤسسه انتشاراتی کوشش پاینده. تهران.